



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

اداره پژوهش‌های سیاسی

مصاحبه پژوهشی؛

صنعت بازیافت از وضعیت موجود تا وضعیت مطلوب



فرآورده‌های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش‌های زیر قابل دسترس است:

– وب سایت خبرگزاری صدا و سیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

پژوهشگر: تینا صالحی

۲*	نکات برجسته
۲*	مقدمه
۳*	مدیریت پسماند و فرآیندهای آن
۳*	اهمیت صنعت بازیافت
۳*	معرفی اتحادیه صنایع بازیافت ایران
۴*	اقتصاد کارگروهها
۴*	وضعیت مدیریت پسماند در ایران
۴*	مشارکت در مدیریت پسماند کشورهای توسعه یافته
۵*	مهمترین چالشهای صنعت بازیافت
۷*	پیشنهاد سامانه‌ی جامع مدیریت پسماندها، راهکار رونق صنعت بازیافت
۸*	شروع کسب و کار در ایران و سایر کشورها
۹*	کلام آخر

- ❖ یکی از مهم‌ترین راه‌های حفظ محیط زیست، بازیافت است که امروزه در دنیا صنعتی پررونق محسوب می‌شود.
- ❖ مدیریت پسماند شامل فرآیندهای کاهش تولید پسماند (فرهنگی-اجتماعی)، تفکیک از مبدا (فرهنگی-اجتماعی)، جمع‌آوری (تولید خدمات)، پردازش (تولید خدمات)، بازیافت (تولید کالا)، بازیابی (تولید خدمات+انرژی) و دفن (تولید خدمات) است.
- ❖ اتحادیه به عنوان «صدای صنعت بازیافت»، تنها تشکل اقتصادی غیردولتی، مستقل و تخصصی حوزه‌ی مدیریت پسماند کشور است که می‌کوشد از راه بهبود شاخص‌ها در جهت تقویت رقابت‌پذیری و ایجاد فضای گفتگو و تبادل نظر و تجربه، در کنار تمامی نقش‌آفرینان به سوی اقتصاد چرخشی و توسعه‌ی پایدار کشور حرکت کند.
- ❖ نبود شفافیت بازار، وجود انحصار در بازار مواد اولیه، تفکیک نشدن زباله از مبدا، نبود فرهنگ‌سازی عمومی و ... از مهم‌ترین چالش‌های موجود در این صنعت می‌باشد.
- ❖ راه‌اندازی سامانه‌ی جامع مدیریت پسماندها، می‌تواند به صنعت بازیافت کشور رونق ببخشد.

مقدمه

محیط‌زیست (Environment) ظرفی است که تمام مفاهیم در آن قرار دارد و بستری است برای سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی. این امر، جایگاه و اهمیت محیط‌زیست در زندگی اجتماعی و حکمرانی را نشان می‌دهد.

اما در کشور ما نگرش و تصور عمومی از محیط‌زیست، محیط طبیعی (natural environment) است و وقتی می‌گوییم محیط‌زیست بی‌اختیار ذهن‌ها به سوی جنگل و کوه و رودخانه می‌رود و همین نگرش را سازمان حفاظت محیط‌زیست هم دارد. حال آنکه حفاظت از محیط‌زیست، بدون اتخاذ نگرشی جامع و بلندمدت در بستر حکمرانی خوب، بر سه پایه‌ی حاکمیت (قانون‌مداری)، شهروندان (مردم‌سالاری) و بازار (بهره‌وری)، امکان‌پذیر نخواهد بود و بر همین اساس مفهوم توسعه‌ی پایدار در جهان شکل گرفته است. در بسیاری از برنامه‌ریزی‌ها در ایران، به جای توجه به ظرفیت و استعداد سرزمین، صرفاً بر پایه‌ی بالابردن GDP به قیمت رشد و توسعه نامتعادل صنایع بالادستی، با توجه اندک به پایین‌دست بوده است. یکی از مهم‌ترین راه‌های حفظ محیط زیست و جانداران، بازیافت است که امروزه در دنیا صنعتی پررونق محسوب می‌شود. تکمیل چرخه این صنعت، از افزایش قطع درختان جلوگیری می‌کند و به حفظ انرژی منجر خواهد شد. در سال ۱۰۳۱ میلادی، برای اولین بار ژاپن، کاغذهای باطله را بازیافت و به صورت کاغذ نو، عرضه کرد. در ایران اولین کارخانه بازیافت کاغذ در سال ۱۳۱۳ شمسی در کرج، تاسیس شد.

برای بررسی این موضوع در مصاحبه‌ای با سیدامین صدرنژاد، دبیر اتحادیه صنایع بازیافت ایران، در مورد صنایع بازیافت ایران و چالش‌های موجود آن در ۱۷ شهریور ماه ۱۳۹۹ به گفتگو نشستیم که در ادامه مهم‌ترین بخش‌های این گفتگو ارائه می‌شود.

مدیریت پسماند و فرآیندهای آن

مدیریت پسماند شامل فرآیندهای کاهش تولید پسماند (فرهنگی - اجتماعی)، تفکیک از مبدا (فرهنگی - اجتماعی)، جمع‌آوری (تولید خدمات)، پردازش (تولید خدمات)، بازیافت (تولید کالا)، بازیابی (تولید خدمات+انرژی) و دفن (تولید خدمات) است.

مدیریت پسماند بیش از آنکه معطوف به تولید کالا باشد، معطوف به تولید خدمات است.

یعنی بخش اعظم هزینه‌های بنگاه‌های اقتصادی در مدیریت پسماند، نه از فروش کالا، که از فروش خدمات، پوشش داده می‌شوند. این رقم در قالب دریافت هزینه‌ی بازیافت کالا در فرآیند بازیافت، تعرفه‌ی پسماند ورودی به سایت در فرآیندهای بازیابی و دفع، هزینه‌ی جمع‌آوری پسماند در فرآیند جمع‌آوری و ... تعریف می‌شود و گاه از ۶۵ درصد تا کل درآمد بنگاه‌های اقتصادی را شامل می‌شود.

اهمیت صنعت بازیافت



معرفی اتحادیه صنایع بازیافت ایران

اتحادیه صنایع بازیافت ایران در خرداد سال ۱۳۸۷ با هدف ارتقای جایگاه صنعت بازیافت در اقتصاد ملی، تأسیس شد و اکنون دارای بیش از ۲۰۰ عضو دارای پروانه بهره‌برداری و کارت بازرگانی یا کارت عضویت در اتاق‌های بازرگانی در ۵ کارگروه تخصصی و مستقل، شامل: کارگروه بازیافت مواد پلیمری، شیمیایی و پتروشیمیایی، فلزی، خودروهای فرسوده و خدمات محیط‌زیست است.

این اتحادیه به عنوان «صدای صنعت بازیافت»، تشکل اقتصادی غیردولتی، مستقل و تخصصی حوزه‌ی مدیریت پسماند کشور است که می‌کوشد از راه بهبود شاخص‌ها در جهت افزایش کیفیت فرآیندهای حکمرانی، تقویت رقابت‌پذیری و ایجاد فضای گفتگو و تبادل نظر و تجربه، در کنار تمامی نقش‌آفرینان به سوی اقتصاد چرخشی و توسعه‌ی پایدار کشور حرکت کند.

مهم‌ترین دستاوردهای اتحادیه در بیش از یک دهه فعالیت خود عبارت بوده از بهینه‌سازی و تجدید ساختار تشکل صنعت بازیافت کشور، تصویب قانون کمک به ساماندهی پسماندها و معافیت زنجیره‌ی مدیریت پسماند از مالیات مستقیم، طرح ایجاد نهاد تنظیم‌گر حوزه مبادلات اقلام ضایعاتی و پسماندها و سامانه‌ی جامع مبادلات پسماند در شورای

رقابت، تشکیل کمیسیون توسعه پایدار، محیط‌زیست و آب در ترکیب اتاق بازرگانی، صنایع، و کشاورزی ایران و نمایندگی از بازیافت ایران در مجامع و کمیته‌های کارشناسی سازمانهای بین‌المللی در اقتصاد سبز بوده است.

*** اقتصاد کارگروه‌ها**

شرکت‌های حاضر در کارگروه بازیافت مواد شیمیایی و پتروشیمیایی، متشکل از کارخانه‌های تصفیه‌ی روغن‌های کارکرده، به دلیل مزیت رقابتی کشور در صنعت نفت و صادرات فرآورده‌های نفتی، از شرکت‌های سایر کارگروه‌ها اوضاع بهتری دارند. هر چند همین شرکت‌ها هم با مسئله جمع‌آوری روغن کارکرده به وسیله شبکه‌های غیرقانونی و غیررسمی و قاچاق این فرآورده‌ها به خارج از کشور مواجه هستند و مواد اولیه‌ی ورودی به کارخانه‌هایشان کاهش چشمگیری داشته است.

کارگروه اسقاط و بازیافت خودروهای فرسوده نیز به دلیل ممنوعیت واردات خودرو و عمل نکردن به تعهدات قانونی شرکت‌های خودروساز، در خرید گواهی اسقاط و جایگزینی تولیدات خود با خودروهای فرسوده، بدترین وضعیت اقتصادی را دارند و می‌توان گفت فاصله‌ی چندانی با ورشکستگی کامل ندارند!

در یک جمله می‌توان گفت، بحث تأمین مواد اولیه یا همان پسماند ارزشمند، ابرچالش صنعت بازیافت در تمامی حوزه‌هاست.

*** وضعیت مدیریت پسماند در ایران**

مدیریت پسماند در ایران متأثر از علاقه بخش‌های دولتی و عمومی به اجرا و تصدی‌گری همزمان، تمایل نداشتن این بخش به مشارکت دادن شهروندان جامعه در منابع و منابع، بی‌طرف نبودن و نبود مدیریت تعارض منافع، بخشی‌نگری و نبود ارتباط سازنده درون‌دولتی و دولت-شهروندی است.

در بخش مدیریت پسماند، در ایران برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت بیشتر در اختیار دولت است. بر همین اساس، هر جا که پای منافع سازمانی و توزیع منابع در میان باشد، دستگاه‌های دولتی و عمومی ذی‌نفع پا به میدان گذاشته و با تمام قدرت سعی در به چنگ آوردن منابع می‌کنند. اما هر جا بحث ارائه‌ی خدمات و سهم شدن شهروندان در منافع چرخه یا حمایت‌های اقتصادی از بخش خصوصی باشد، به یکباره همه چیز دگرگون شده و دستگاه‌های دولتی و عمومی تنبل و بی‌توجه می‌شوند.

*** مشارکت در مدیریت پسماند کشورهای توسعه‌یافته**

تجربیات موفق جهانی و منابع علمی، نشان می‌دهد، مدیریت پسماند تنها به شرطی کارآمد می‌شود که مشارکت اجتماعی، به عنوان بنیان آن محقق شود. در اینجا لازم است چند نکته هم در خصوص پسماند گفته شود:

همه شهروندان، پسماند تولید می‌کنند.

تفکیک پسماند در مبدا سبب کاهش هزینه‌ها گاهی تا ۹۰ درصد می‌شود.
جمع‌آوری مخلوط پسماند و سپس تفکیک آن، مستلزم مزد نیروی کار بسیار بالا و هزینه‌های بهداشتی و همچنین هزینه فرصت از دست‌رفته بازیافت پسماندهای آلوده‌شده و غیرقابل بازیافت است.
در کشورهای توسعه‌یافته پسماند ارزشمند با مشارکت و مسئولیت اجتماعی شهروندان تفکیک شده و پس از جمع‌آوری گاه به صورت مجانی در اختیار کارخانه‌های بازیافت قرار می‌گیرد.
در کشورهایی که صنعت بازیافت پیشرفته دارند، از ۳ مکانیزم جرائم نظارتی و بازدارنده، تشویقی و محرک اقتصاد و فرهنگ‌سازی و تبدیل مشارکت به امر اخلاقی، استفاده می‌شود.
در کشورهای توسعه‌یافته، علاوه بر معافیت‌های مالیاتی فعالیت‌های مرتبط با مدیریت پسماند، سیاست‌گذاران از چارچوب‌های «امتداد مسئولیت تولیدکننده یا EPR» پیروی می‌کنند. در این چارچوب‌ها، هزینه‌ی بازیافت هر کالا در لحظه‌ی تولید از تولیدکننده‌ی اولیه اخذ شده و در هنگام بازیافت به بازیافت‌کننده‌ی آن کالا پرداخت می‌شود. این امر باعث می‌شود که کالای نواز کالای بازیافتی گران‌تر شده و تمایل به خرید کالاهای بازیافتی افزایش یابد. علاوه بر این نیز، گاه مکانیزم‌های اجباری برای استفاده از مواد اولیه بازیافتی در تولید کالاهای نو به کار گرفته می‌شود.

اساس EPR، رقابت‌پذیری، ایجاد مسئولیت اجتماعی و اقتصاد چرخشی است که کشورهای آلمان و سوئد از پیشگامان این حوزه در جهان هستند.

* مهم‌ترین چالش‌های صنعت بازیافت

➤ فقدان شفافیت در بازار

متأسفانه به دلیل نبود شفافیت مناسب حاکم بر بازار پسماند، بخش بزرگی از فعالان فرآیندهای جمع‌آوری، تفکیک، پردازش و توزیع، عملاً در تاریکی و خارج از نظارت قانون هستند، از گودها و گاراژها و باغ‌های اطراف کلان‌شهرها بگیرد تا کارگاه‌ها. در واقع کار غیرقانونی پول‌سازتر است.

نظارت بر حسن اجرای قانون صرفاً منحصر به کسانی می‌شود که زیر چتر قانون با چراغ روشن فعالیت خود را آغاز کنند و ادامه دهند و شفاف باشند، اما کسی که چراغ خاموش فعالیت می‌کند اصلاً دیده نمی‌شود، و ابزاری هم برای دیدن او به کار نمی‌رود، چه برسد به اینکه مورد نظارت قرار گیرد! ابزار هم صرفاً یکی است: شفافیت مالی و قابل ردگیری بودن جریان پول در کشور!

➤ انحصار در بخش عرضه‌ی پسماند ارزشمند

انحصار در صنعت بازیافت حاکم است. آن‌طور که بخش عرضه (جمع‌آوری، تفکیک، پردازش و توزیع) در بازار نسبت به بخش تقاضا (بازیافت) دست بالاتر را دارد و هرگونه که بخواهد روی کالای خود قیمت‌گذاری می‌کند. مثلاً در آغاز سال ۱۳۹۷ و جهش نرخ ارز، قیمت مواد اولیه صنایع بازیافت، به ناگهان تا ۳ برابر افزایش یافت که این اصلاً منطقی نیست! مگر تأمین‌کننده پسماند ارزشمند، به دلار پسماند را می‌خرد یا حقوق کارگر می‌دهد که با رشد قیمت ارز، قیمت پسماند ارزشمند را بالا ببرد؟! پاسخشان هم این بود که اگر به صنایع فروشیم صادر می‌کنیم! بر همین اساس بود که اتحادیه در همکاری با وزارت صمت، صادرات برخی از کالاها چون ضایعات لاستیک و پلاستیک را ممنوع کرد.

در خصوص سهم بازیافت در اقتصاد ملی، به دلیل همان نبود شفافیت مناسبات حاکم بر بازار و ناکارآمدی مکانیزم‌های نظارتی بر جریان‌های مالی، نمی‌توان به صورت قطعی و دقیق نظر داد. چرا که بخش بزرگی از اقتصاد و جریان‌های مالی مدیریت پسماند، اقتصاد تاریک، بنگاه‌های غیرقانونی، فعالیت‌های آلوده به قاچاق و .. است که از هر گونه نظارتی پنهان می‌ماند و امکان پایش کامل شرایط موجود و تحلیل آماری آن‌را از بین می‌برد.

مدیریت ضعیف ساختاری و ریشه‌ای پسماند

نبود توجیه اقتصادی در فرآیندهای انتهایی خط (بازیابی و دفن)

نبود برنامه برای مشارکت شهروندان در فرآیندها

تفکیک نشدن زباله از مبدا و جمع‌آوری تفکیک نشده شهرداری

کمبود آموزش و فرهنگ‌سازی برای عموم

ضعیف ماندن صنعت به دلیل دلالت‌بازی و سود دلالت‌ها در بی‌نظمی صنعت و بالا رفتن قیمت مواد اولیه

کمبود مواد اولیه برای صنعت

نبود بورس پسماند

فشار شهرداری به استارت‌آپ‌های جمع‌آوری پسماند ارزشمند

وقتی شهروندی بطری یا کاغذ مصرف‌شده‌ای دارد، قطعا مالک آن است و استارت‌آپی هم که آن را از شهروندی بخرد، از آن پس قطعا مالک آن خواهد شد. اما هم‌اکنون شهرداری با استناد به ماده ۲ و ۷ قانون مدیریت پسماندها، خود را مالک تمام پسماندهای شهری می‌داند و برای پسماندی که در خانه‌ی شما هم هست تکلیف تعیین می‌کند! حال آنکه شهرداری صرفا و تنها مالک پسماندی است که در سطل‌های مربوط به شهرداری قرار دارند! البته مشخص است که تا وقتی پسماند در اختیار شماست و در سطل شهرداری نیست، بر اساس قانون مدنی، حق مالکیت آن با شماست و می‌توانید به هر کس که خواستید، بفروشید.

از همین‌جا، چالش استارت‌آپ‌ها آغاز می‌شود که

شما باید از شهرداری مجوز فعالیت بگیرید!

شما باید هر چقدر پسماند که از منطقه جمع می‌کنید، فقط به پیمانکار پسماند همان منطقه که با شهرداری قرارداد دارد تحویل دهید!

قیمت خرید انواع پسماند خشک به صورت ماهیانه توسط شهرداری تعیین می‌شود!

یک درصد از درآمد ماهانه حاصل از فروش پسماندتان را هم باید برای کارمزد پشتیبانی سامانه و نظارت به شهرداری بدهید!

خوب باید پرسید که این موارد اگر مصداق بارز انحصار در بالادست نیست، پس چیست؟ همچنین از چه زمانی و بر اساس چه قانونی، شهرداری هم به لیست بلند و بالای نهادهای مجوزدهنده در این کشور تبدیل شده است؟!

*** پیشنهاد سامانه‌ی جامع مدیریت پسماندها، راهکار رونق صنعت بازیافت**

اطلاعات و آمار، از دستور دادن و بخشنامه صادر کردن به جامعه به دست نمی‌آید، از رصد کردن فرآیندها در محل درست و زمان درست به دست می‌آید. پس باید سیستمی طراحی کرد که اولاً شفاف و پاسخگو باشد، ثانیاً اجزای سیستم را به مشارکت هدایت کند و در نهایت با قرار گرفتن در جای درست و زمان درست، بدون ایجاد مزاحمت برای اجزای سیستم و وقفه در فرآیند کاری ایشان، روی فعالیت‌ها نظارت کند. این اساس تمام چیزی است که ما در قالب سامانه‌ی جامع مدیریت پسماندها به دولت پیشنهاد دادیم.

بحث سامانه جامع مدیریت پسماند از اینجا آغاز شد که تأمین پسماند، به عنوان ماده اولیه صنعت بازیافت، ابرچالش پیش روی تمامی فعالان این حوزه، از گذشته تاکنون بوده است. تأمین‌کنندگان پسماند به دلیل انحصار در بالادست، قیمت را در عرضه این نهاده به صنعت‌گران حوزه‌ی بازیافت به هر شکل که می‌خواستند تنظیم می‌کردند. علاوه بر این نیز به دلیل نبود ارائه‌ی اسناد اصالت معامله از جمله فاکتور فروش، هم مالیات ارزش افزوده ایشان بر گردن صنعت‌گر می‌افتاد و هم صنعت‌گر برای اثبات حقیقی بودن معامله به سازمان امور مالیاتی به مشکل می‌خورد. اصلاً بسیاری از تأمین‌کنندگان حتی شرکت ثبت شده هم ندارند و نقدی معامله می‌کنند! به دلیل نبود نظارت بر تأمین‌کنندگان نیز هیچ اهرمی برای قانون‌مند کردن فعالیت ایشان وجود نداشت و تمامی مقتضیات بازار در اختیار ایشان بود.

مسئله‌ی بعدی نیز دلالتی پسماند بود. یعنی یک خریدار کلان پیدا می‌شد، کل پسماند ارزشمند را به قبضه‌ی خود در می‌آورد و «انحصار» آن را در دست می‌گیرد تمامی صنعت‌گران باید از همین شخص خرید می‌کردند. احتکار و رویه‌های ضد رقابتی نیز از دیگر شگردهای تأمین‌کنندگان بوده است. بحث‌های مربوط به استثمار کودکان کار و مهاجر و معتادان و همچنین فساد و سوءاستفاده در مزایده‌ها و واگذاری اقلام ضایعاتی نهادهای دولتی یا شرکت‌های بزرگ بالادستی، صادرات یا قاچاق پسماند ارزشمند و خروج فرصت تولید ارزش افزوده و اشتغال در کشور را هم به اینها اضافه کنید.

اینها همه و همه ریشه در نبود ابزار زیرساختی نظارت بر کلیت مدیریت پسماند داشته است، از تفکیک تا مبادلات تا بازیافت تا دفع. بر همین اساس، این ایده در اتحادیه صنایع بازیافت شکل گرفت که باید به نحوی، تأمین‌کنندگان که شامل شرکت‌ها، پیمانکاران یا افراد متفرق می‌شوند را وادار به فعالیت زیر چتر قانون کرد و فضایی شفاف ایجاد نمود که در آن

زمینه‌های بروز فساد و سوءاستفاده و دلالی و قاچاق کاهش یابد. از طرف دیگر انحصار بخش عرضه شکسته شده و بازار، رقابتی شود. در چنین سامانه‌ای، فروشنده کلان صرفاً شرکتی است که دارای صلاحیت و رتبه‌های مشخص پیمانکاری و شفافیت مالی بوده، و خریدار صرفاً شرکتی است که دارای پروانه بهره‌برداری یا صلاحیت فنی بازیافت پسماند باشد. ضمناً تنها افراد و معاملاتی که در سامانه ثبت می‌گردد شامل مشوق‌های مالیاتی می‌شود.

مشخصاً اداره‌ی چنین سامانه‌ای نیاز به نهادسازی داشت و نهادی نیاز بود که فرادولتی باشد. زیرا این نهاد باید توأمان حقوق دولت به عنوان دستگاه اجرا، قوه‌ی قضاییه به عنوان دستگاه نظارت و اتاق بازرگانی به عنوان نماینده فعالان اقتصادی کشور را محفوظ بدارد.

بر مبنای ماده ۵۹ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، با همکاری اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، تشکیل نهادی در جهت ادای وظایف تنظیم‌گری و انحصارزدایی با اختیاراتی فرادولتی در کنار سامانه‌ای مانند بورس برای شفاف نمودن بازار و احیای رقابت و بهره‌وری، به اولویت اصلی اتحادیه تبدیل گردید و در نودمین جلسه شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی، در تاریخ ۱۳۹۸/۸/۱۸ توافق اولیه برای راه‌اندازی نهاد تنظیم‌گر (رگولاتور) حوزه مبادلات اقلام ضایعاتی و پسماندها حاصل شد.

از ایجاد چنین نهاد و سامانه‌ی شفاف، نه‌تنها زمینه‌های انحصار، فساد، تبعیض، سوءاستفاده از اختیارات، مناسبات میان پیمانکاران و ... کاهش می‌یابد، بلکه فرصت‌های شغلی جدید برای کسب‌وکارهای نوپا مانند استارت‌آپ‌های جمع‌آوری و تفکیک که زیر فشار بی‌امان شهرداری‌ها هستند، ایجاد خواهد شد و صنایع بازیافت نیز با اصلاح بازار بالادست، رونقی دو چندان خواهند گرفت. همچنین، وجود چنین سامانه‌ای باعث افزایش مشارکت شهروندی در چرخه می‌شود و به کارآمدسازی مدیریت پسماند در کشور کمک شایانی می‌کند. علاوه بر این نیز، با تفکیک پسماند از مبدأ و کاهش آغشتگی و آلودگی آن، فرآیندهای انتهایی خط مثل بازیابی پسماند به کمپوست و انرژی و دفن بهداشتی نیز بسیار کارآمدتر و کم‌هزینه‌تر خواهند شد و حضور بخش خصوصی در آن حوزه‌ها توجیه‌پذیر خواهد گردید.

اگر ظرفیت‌های سامانه محقق شود، انحصار بازار مدیریت پسماند شکسته شود، مناسبات فسادآلود جای خود را به شفافیت دهد؛ آنگاه با رشد مشارکت شهروندی و همکاری جامعه، فرصت‌های بسیار زیادی برای اشتغال در حوزه‌ی خدمات جمع‌آوری و تفکیک و پردازش ایجاد خواهد شد و صنعت بازیافت نیز به همین ترتیب رشد خواهد کرد.

* شروع کسب‌وکار در ایران و سایر کشورها

➤ اخذ مجوز

مجوز، نمادی برای اعلام شروع فعالیت اقتصادی یا رخصت برای وارد شدن به گود است. یعنی وقتی شما تمامی مراحل لازم برای کسب و احراز صلاحیت خود برای فعالیت اقتصادی را طی کردید، در نهایت ظرف دو هفته مجوز می‌گیرید و فعالیت خود را آغاز می‌کنید. حال چگونه مسئولیت‌پذیری خود در قبال عملکرد خود را تضمین می‌کنید؟ با بیمه‌ی مسئولیت. دقیقاً در این

مکانیزم، ارزیابی تعارض منافع مدیریت، به درستی انجام می‌پذیرد. چرا که اولاً بیمه تمایل دارد شما را بیمه کند، در ثانی ترجیح می‌دهد که عملکردتان به بهترین نحو باشد تا بیمه وادار به پرداخت خسارت نشود.

➤ **احداث کارگاه یا کارخانه**

اگر سرمایه‌گذاری بخواهد کارگاه احداث کند سراغ یکی از انجمن‌های اتاق اصناف می‌رود و با رعایت معیارهای آن پروانه کسب می‌گیرد. مثلاً دوستی برای تولید کش لاستیکی از لاستیک ضایعاتی، از صنف بزازان ورامین مجوز گرفته است!!! اما اگر بخواهد کارخانه احداث کند باید هفت‌خوان رستم را طی کند و چنده و چندصد کیلومتر از کلانشهرها خارج شود و از ضوابط استقرار واحدهای صنعتی و تولیدی گذر کند و اگر مشمول ارزیابی اثرات زیست‌محیطی نبود، تأییدیه زیست‌محیطی بگیرد و پس از آن پروانه‌ی بهره‌برداری وی صادر شود! حالا با دانش‌بنیان شدن، می‌تواند تا حدی این هفت‌خوان رستم را کوتاه‌تر کنید! اما آیا هیچ‌کدام از این مراحل عملکرد شما را به سوی بهبود هدایت می‌کند؟

کلام آخر

ناکارآمدی و ناپایداری مدیریت پسماند در کشور، ریشه در ذهنیت بنگاهداری و بخشی‌نگری نهادها و تصمیم‌گیران دولتی، بی‌توجه به جایگاه شهروندان در مدیریت جامعه، نبود ارتباط سازنده درون‌دولتی و دولت - شهروندی و نهایتاً درک نادرست از مناسبات اقتصادی و ماهیت اجتماعی فرآیندهایی چون مدیریت پسماند دارد.

بر همین اساس از سال ۱۳۹۴، اتحادیه صنعت بازیافت، کنش خود را بر قانع کردن حاکمیت بر وضع معافیت‌های مالیاتی و اختصاص هزینه‌ی بازیافت به بازیافت‌کنندگان کالاها آغاز کرد که تبدیل به لایحه کمک به ساماندهی پسماندها شد و با بخشی‌نگری برخی نهادهای دولتی و عمومی از جمله سازمان شهرداری‌ها و در انفعال محض سازمان حفاظت محیط‌زیست، در نهایت تنها معافیت‌های مالیاتی ماده‌ی ۵ این قانون، برای فعالان مدیریت پسماند محقق شد.

کاهش آثار زیست‌محیطی و بهداشتی بازیافت زباله، خود سود اقتصادی محسوب می‌شود و سبب کاهش بسیاری از هزینه‌های دولت می‌گردد که اگر بخشی از این منفعت را برای سرمایه‌گذار بخش خصوصی در نظر بگیرند، حتماً صنعت بازیافت مورد توجه بیشتر سرمایه‌گذاران قرار خواهد گرفت.

در خصوص فقدان شفافیت، تعارض منافع، برخی مناسبات فساد و وجود انحصار در بخش عرضه در بازار پسماند نیز، ظرفیت نهادهای موجود در حل مشکلات ضعیف است؛ بنابراین نیاز به وجود نهادی فرادولتی ذیل قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی است؛ قانونی که یکی از مترقی‌ترین و شهروندمحورترین قوانین تاریخ این کشور است. در کنار این نهاد نیز بازاری شفاف نیاز است که با اهرم‌های سلبی، انگیزشی و ایجابی توان اصلاح بازار را داشته باشد که محصول جانبی آن نیز داشتن یک پایگاه آماری به‌روز و پویا و تحقق پتانسیل بزرگ مدیریت پسماند در اقتصاد کشور خواهد بود. حتماً ایجاد مشوق و تعریف چارچوب‌های حمایتی از فعالان و بنگاه‌های اقتصادی مدیریت پسماند در جهت رقابتی کردن بازار نیز مفید خواهد بود. در نهایت جمع راهکارهای فوق، مشارکت دادن بی‌طرفانه‌ی شهروندان در مدیریت جامعه، کلید خروج از بحران است.

